منظور از "جاهدوا فی سبیل الله" این نیست که فقط تفنگ به دست باشیم؛ بعضی مواقع لازم است بیل به دست، کلنگ به دست و شاید هم کتاب به دست باشیم. به هر حال هر کدام نوعی از جهاد اند که در هر زمان جهاد محسوب می‌شوند.

این نوع جهاد، جهادی است که امروزه بیشتر در قالب اردوهای جهادی محقق می‌شود. مهمترین هدف اردوهای جهادی هم سازندگی است. اما همین سازندگی هم در اردوی جهادی تنها یک معنا ندارد. علاوه بر پروژه ی محرومیت زدایی روستاها و کارهای ساختمانی و عمرانی، ساخته شدن خود افراد هم بسیار اهمیت دارد؛ این رسالتی است بردوش جهادگران که علاوه بر توسعه ی فرهنگ محرومیت زدایی خود را هم بسازند و این شعار گروه های جهادی است: «می سازیم تا ساخته شویم».

گروه جهادی ما در ابتدا فقط آقایان بودند و آنها هم مستقل نبودند و با گروه های جهادی دیگر همکاری می کردند و به مرور زمان مستقل شدند و اردوی جهادی تشکیل شد، که کادر اصلی آن اول از شورای مرکزی خود بسیج بودند.

ما معمولا در طی سال دو اردو در شهریور و اسفند برگزار می کنیم. شهریور ماه به مناطق نسبتا خنک تر ( مثل مناطق بختیار نشین) و در اسفند ماه هم به مناطقی مانند آبادان و خرمشهر که مناطق عرب نشین هستند می رویم.

در این دوسال اخیر که اردو منسجم تر شده تقریبا دوبار اردو در اروندکنار برگزار شده است. ما به خاطر اثر گذاری بهتر، بر روی هر منطقه که وارد می شویم چندین دوره کار کنیم و اینطور نیست که برای هر دوره منطقه ای را پوشش دهیم و نهایتا آن را رها کنیم.

\*پیگیری های پیش از فعالیت:

ما کادر مجزایی برای خود اردو نداشتیم و به کمک مسئولین قبلی توانستیم کارها را به صورت کانون های فرهنگی، آموزش، پشتیبان، رسانه، بهداشت و کانون کارآفرینی تقسیم کنیم و برای هر کانون با زیر مجموعه هایی که دارد یک مسئول مشخص کنیم. (افراد این کانون ها معمولا تا 3، 4 دوره ثابت هستند)

در بحث نیرو ها ما یک جانشین اجرایی هم داریم که تقریبا یک یا دو ماه قبل از هر دو مشخص می شود و برای تقسیم یک سری کارها بین مسئولین اردو پیگیری ها را انجام می دهد.

چیزی که خیلی برای اردوی جهادی مهم است مصاحبه حضوری برای انتخاب نیرو ها است، چون افرادی که ثبت نام می کنند از عامه دانشجوها هستند و خیلی نمی توان روی مصاحبه تلفنی حساب کرد. بنابراین ما برای دو سه دوره اخیر سعی کردیم مصاحبه حضوری داشته باشیم تا هم ظاهر بچه ها را ببینیم و با آنها ارتباط چهره به چهره بگیریم هم اینکه با توجه به صحبت هایشان توانمندی هایشان را مشخص کنیم. اولویت ما در مصاحبه ها توانمدی افراد است. معمولا در مصاحبه سوالات در رابطه با چگونگی آشنایی با اردو جهادی، هدف آنها از شرکت در اردو، میزان مطالعات انها، میزان اطلاع آنها از اوضاع و نیاز های اساسی جامعه، میزان آشنایی با مناطق جهادی و زندگی روستایی، میزان سازگاری با شرایط سخت و کمبودها و... است، همچنین در مصاحبه ها کادر اردو و همچنین وظایف هریک از کانون ها برایشان شرح داده می شود و از انها توانایی هایشان سوال می شود، علاوه بر این ما در مصاحبه می خواهیم که اگر شخص نظر و یا کاری مد نظر دارد که ما انجام نمی دهیم کاملا برایمان توضیح دهد. در مصاحبه معمولا سعی می کنیم که گرایش فرد را بررسی کنیم که گرایش خاصی نداشته باشد. افرادی که مصاحبه را انجام می دهند، افرادی هستند که با اصول روان شناختی آشنا هستند. ما اگر ببینیم فردی توانایی جهادی را دارد او را تخصصی تر و دقیق تربررسی می کنیم.

ما قبل از اردو برای افراد جلسات توجیهی و انگیزشی داریم و مسئول اموزش و گروه یک بار جلسه را برای تمام افراد برگزار می کنند و مسائل توجیهی و این قبیل مسائل گفته می شود و از طریق یکی از اساتید جلسه ای با عنوان جلسه انگیزشی برگزار می شود که هدف کار برای بچه ها تکرار می شود و به انها یاداوری می شود که برای چه چیزی وارد اردو می شوند.

ما از نظر مالی چندان از طرف دانشگاه ساپورت نمی شویم و معمولا 80 درصد بودجه اردو از طریق افراد خیر تامین می شود که هم برادران و هم خواهران این قضیه را پیگیری می کنند. همچنین هماهنگی با مبلغ و تهیه وسایلی مانند کتاب و بسته فرهنگی را از طریق نهاد دانشگاه پیگیری می کنیم. (ما هر دوره کتابی را به عنوان شاخص معرفی می کنیم و به افرادی که در اردو شرکت می کنند، می دهیم)

در بحث بایدها و نبایدها هماهنگی بین مسئول گروه خواهران و برادران خیلی مهم است. پیگیری ها معمولا از طریق این دو نفر انجام می شود و هرشب یک گزارش کلی به مسئول واحد برادران داده می شود؛ چون تسلط گروه برادران نسبت به منطقه از خواهران خیلی بیشتر است و اگر باید و نبایدی باشد می گویند.

مدیریت در گروه خیلی مهم است یعنی مسئول یک گروه باید محور باشد، اگر مسئول یک گروه نتواند گروه را کنترل کند یک سری تنش ها به وجود می آید که کنترل انها سخت است. ما در دوره ها معمولا شب اولی که وارد منطقه می شویم یک جلسه برگزار می کنیم و وظایف بچه ها توضیح داده می شود که در منطقه تداخل وظیفه به وجود نیاید و دلخوری یا بحث به وجود نیاید و کنترل گروه از دست مسئولین خارج نشود.

ما برای پیگیری های اردوی شهریور، از اردیبهشت ماه شروع می کنیم. برای دوره های اسفند هم سعی می کنیم که از بین دو ترم و تقریبا از دی ماه پیگیری های اردو را آغاز کنیم. در پیگیری ها اول کادر گروه اصلی بسته می شود و این کادر جلسات هفتگی را در خود دانشگاه برگزار می کنند که این جلسات حول موضوعات مرتبط با اردو و مسائلی است که در راستای کارهای جهادی می توان در خود دانشگاه انجام داد. بعد از آن بحث شناسایی است که یک صبح تا عصر در منطقه حضور پیدا می کنیم و شناسایی را از طریق افراد فعال و دغدغه مند آنجا یا اگر پایگاه بسیج یا حوزه علمیه داشته باشند، انجام می دهیم. شناسایی در زمینه های مختلف است و سوالات شناسایی دسته بندی شده هستند. ما معمولا شناسایی را یک ماه قبل از اردو انجام می دهیم که در این بازه یک ماهه فرصت کافی برای تغییر محتوای آموزشی را داشته باشیم، چون ممکن است پیش بینی ما اشتباه بوده باشد.

کانون پشتیبان ما متشکل از دانشجویان و اساتید است و وظیفه آنها این است که به ما خط و محتوا دهند. دانشجویان این کانون افرادی هستند که در خود منطقه یا اطراف منطقه حضور دارند و آنجا زندگی می کنند. ما تا لحظه آخر از طریق این کانون پیگیری می کنیم که محتوایمان متناسب با افراد منطقه باشد. ما معمولا یک فرد پشتیبان هم از خود منطقه در کادر گروه داریم. دانشجویان تیم پشتیبانی که محل زندگیشان انجاست، بازخورد گروه جهادی را می گیرند و از خود اهالی می پرسند که سال گذشته گروه جهادی چطور بوده است تا ضعف ها را برطرف کنیم و اگر نقطه قوتی بوده آنرا بیشتر کنیم.

سوالات شناسایی ما به شرح زیر می باشد:

سوالات حوزه فرهنگی:

- اهل مطالعه کتاب هستند ؟

- کتابخانه دارند ؟

- چنانچه بچه ها گوشی موبایل دارند pdfمیخوانند؟ در چه زمینه ای مطالعه میکنند؟

- ماهواره دارند؟

- چه کانال هایی تماشا میکنند؟

- در جمع خانوادگی فیلم و یا مسائل اخلاقی نامناسب دیده شده؟

- وضعیت آموزش و پرورش چگونه است؟

- مدارس مشاوره دارند؟

- منطقه روحانی دارد؟

- روحانی منطقه چقدر محبوب هستند و تاثیر گذار؟

- مبلغ روحانی خانم میپذیرند؟

- مراسم ها (جشن و ختم ) چگونه برگزار میشوند ؟

- چه نوع موسیقی گوش داده میشود ؟

- نوحه در مساجد و حسینیه به چه سبکی خوانده میشود ؟

سوالات حوزه ازدواج:

- در چه رنج سنی ازدواج میکنند ؟

- فرهنگ چند همسری (صیغه) شایع است؟

- فرهنگ طلاق چقدر رایج است؟

- بعد از طلاق خانواده خانم چقدر پذیرای فرزند خود هستند؟

- روابط نامشروع وجود دارد؟در صورت گزارش چه واکنشی نشان داده شده است؟

- با مادر خانواده ای که فرزند پسر ندارد چگونه رفتار میشود؟

سوالات حوزه کار آفرینی:

- خانم ها چه هنری دارند؟ در صورت داشتن هنر

- توانایی فروش هنر های خود را دارند ؟

- در صورت برگزاری کلاس های هنری از چه نوع هنری استقبال میشود ؟

- اجازه شرکت در کلاس هنری را دارند ؟

- خانم ها مشتاق به کسب درامد هستند ؟

سوالات حوزه اعتیاد:

- اعتیاد چقدر شایع میباشد ؟چه نوع مواد مخدری رواج دارد ؟

- شراب خواری وجود دارد؟

سوالات حوزه تحصیل:

- چند مدرسه در منطقه وجود دارد؟

- مدارس مختلط هستند؟

- معلمان خانم هستند یا آقا؟ بومی منطقه هستند ؟

- چند درصد از افراد سواد دارند ؟

- منعیت تحصیلی وجود دارد ؟ از چه مقطعی؟

- اجازه دانشگاه رفتن دارند ؟

- ضعف در تحصیل وجود دارد؟

- نحوه ی رفتار معلمین با دانش آموزان چطور است؟

سوالات حوزه خانوادگی:

- کتک کاری چقدر شایع میباشد ؟

- تا چه اندازه بین پسر و دختر تفاوت قائل میشوند؟

- نیاز های اولیه فرزندان چقدر تامین میشود؟

- چقدر زور گویی و بدگویی وجود دارد؟

- چقدر صمیمیت وجود دارد؟

- عموسالاری در خانواده ها چقدر صحت دارد؟

- احترام بین پدر و مادر و فرزندان به چه صورت میباشد؟

سوالات بررسی مطلوبیت و وضعیت سلامت و روان اهالی:

- چه نوع معلولیتی دیده شده است؟

- بچه ها اضطراب دارند؟

- اختلال روانی وجود دارد؟

- چه نوع رفتاری با افراد دارای اختلال و معلولیت میشود؟

سوالات در رابطه با خرافات:

- چقدر به دعا و طلسم اعتقاددارند ؟

- دعا نویس و رمال وجود دارد؟

سوالات در رابطه با نهادهای حمایتی:

- منطقه کمیته امداد و بهزیستی دارد؟

- از اهالی تحت پوشش وجود دارد؟

- چه تسهیلاتی به افراد داده میشود؟

سوالات حوزه بهداشت:

- خانه بهداشت در منطقه وجود دارد؟

- چقدر به اهالی رسیدگی میشود؟

- دارو و کمک های اولیه به اهالی ارائه میشود؟

\*جزئیات فعالیت:

حوزه فرهنگی-آموزشی:

گروه آموزشی فرهنگی کارخود را با شناسایی ویژگی های فرهنگی منطقه وبرداشت وتحلیل اطلاعات به دست آمده از فعالیت های گروه پژوهش وشناسایی آغاز میکند.سپس براساس این اطلاعات وتحلیل ها به طرح درس نویسی برای رده های سنی مختلف می پردازد.

ما برای هر اردو یک برنامه کلی آموزشی داریم که برنامه ها برای رده های سنی مختلف کودک، نوجوان، جوان و بزرگسال می باشد، که رده کودک به5تا6سال 6تا 9 سال و 10 تا 12 سال و گروه سنی نوجوان به 13 تا 15سال و 15تا 18 سال تقسیم می شدند، علاوه بر این بزرگسالان به دو گروه افراد متاهل و مجرد تقسیم بندی می شدند.کلاس ها حول محور احکام و عقاید و بهداشت برگزار می شد و برای بزرگسالان و نوجوانان مشاوره هم اضافه می شد. ما احکام را بیشتر از طریق مبلغ همراهمان انتقال می دادیم، علاوه بر این ها کارگاه هایی مانند همسرداری و تربیت فرزند و این گونه مسائل را نیز مبلغمان برگزار می کردند.

از نقاط قوت ما این است که برای کارگروه ها از اساتید و افراد تخصصی استفاده می کردیم که برای ارائه مباحث در منطقه با مشکل برخورد نکنیم.

یکی از فعالیت های این حوزه، ساختن کتابخانه برای اهالی روستا بود. ما سعی کردیم در پیگیری های بعد از اردو از طریق کانون پرورش فکری کتاب هایی را که مناسب و تایید شده هستند را همراه با قفسه های کتاب برای مدارس مناطق ارسال نماییم که دانش اموزان بتوانند از انها استفاده کنند.

ما بسته های فرهنگی ای داریم که شامل کتاب و دفترچه هایی است که بچه ها در طول دوره ای که در اردو هستیم گزارشات خود را در آن ثبت می کنند. ما یک سری گزارشات روزانه را در اخر شب از افراد حاضر در اردو می گیریم که در ارشیو گروه ، برای افرادی که در دوره های بعد شرکت می کنند، نگهداری می کنیم. در طول دوره هر یک از اعضای گروه جهادی با هر سمتی که دارد آخر هر شب گزارش کامل آن روز خود را می نویسد. در طول دوره یک نفر به عنوان مسئول گزارشات مشخص می شود و هرشب گزارشات را دریافت می کند و مسئول اموزش و مسئول دوره سعی میکنند هرشب گزارش ها را مطالعه کنند و اگر نقطه ضعفی بود همانجا برطرف کنند.

معمولا هرشب یک جلسه کلی برگزار می شود و تمام افراد از کار و فعالیتی که انجام دادند صحبت می کنند و مسائلی که دیدند یا با آن مواجه شدند آنجا بیان می کنند. در طول شب هم یک جلسه مخصوص متربی ها داریم که هرکدام برای خودشان یک کارگروه می شوند و هرشب یک ساعت جلسه برگزار می کنند و مباحثی که آن روز آموزش دادند را بررسی می کنند و اگر شخصی ضعفی دارد، ضعف را برطرف می کنند.

کارگروه دامپزشکی:

ما در اردوی جهادی یک روزه تیم دامپزشکی خود با هدف خدمت رسانی به دامدارهای مناطق محروم استان، در اولین اقدام درمانی، دام‌های روستاهای دحیمی از توابع بخش سویدانی و شهرستان سوسنگرد را مورد معاینه و درمان قرار دادیم.

در این اردو که ویژه برادران برگزار شد، تعدادی از دانشجویان سال آخر دوره اینترنی دکترای دامپزشکی حضور داشتند و دام‌های بیش از ۱۷ دامدار معاینه و تحت درمان قرار گرفتند.

ان‌شاءالله طبق برنامه‌ریزی های صورت گرفته بنا داریم این اردوی جهادی دانشجویی را که با استقبال خوبی از سوی دانشجویان دکترای عمومی و تخصصی دامپزشکی و همچنین دامدارهای مناطق مستضعف استان مواجه شد، در هفته های آینده و با حضور در روستاهای مختلف ادامه دهیم.

مهمترین مسئله ما در این گروه جهادی دانشجویی فراهم کردن منابع مالی جهت تهیه داروهای مورد نیاز دامدارهایی است که بضاعت مالی تهیه دارو و پرداخت حق ویزیت دام‌های خود را ندارند.

کارگروه کارآفرینی:

ما در گروهمان کارافرینی داریم ولی هنوز نتوانسته ایم آن کارافرینی که بتوانیم یک بازار کار برای افراد داشته باشیم، انجام دهیم و امیدواریم بتوانیم از طریق گروهی که ایجاد شده این نقاط ضعف را برای دوره های بعد برطرف نماییم. در دوره های قبل خیاطی و نمد دوزی داشتیم و عمده کاری که توانستیم انجام دهیم آموزش اینها بود که فقط برای استفاده شخصی شان مفید بود، البته یک کار مثبت که در دوره قبل انجام شد این بود که کار مردم منطقه توسط جهادگران به فروش رفت و با پول آن برای کتابخانه منطقه، کتاب خریداری و اهدا شد. در روستا برای بحث خیاطی محدودیت هایی مانند چرخ خیاطی و ... وجود داشت اما سال های گذشته در بخش نمددوزی استقبال خیلی خوب شد.

برای این دوره تصمیم گرفتیم فرشینه را وارد کنیم که برای رده سنی ده سال به بالا قابل اموزش است و حتی برای خانم های خانه دار می توان این کار را انجام داد و حداقل استفاده آن این است که اگر نتوانند اشتغالی ایجاد کنند، در خانه خودشان استفاده می نمایند. البته چیزی که مدنظر ما است این است که یک خروجی بزرگتر داشته باشیم مثلا یک کارگاه خیاطی یا قالیبافی را داشته باشیم و بتوانیم افراد زیادی را از این طریق حمایت کنیم.

حوزه رسانه و مستندات:

معمولا در خود اردو هرروز گزارشاتی گرفته می شود و از حلقه ها عکس برداری می شود و متناسب با هر عکس و رده سنی و چیزی که آموزش داده می شود یک گزارش به صورت ورد و پی دی اف آماده می شود. علاوه بر اینها کلیپ سازی یا همان مستند سازی را داریم که گروه خواهران دو تا کلیپ آماده می کنند؛ یک کلیپ از فعالیت هایی که در بیرون از محل اسکان انجام می شود و یک کلیپ از خود محل اسکان (معمولا در منطقه در مراسم اختتامیه یک کلیپ کلی از تمام فعالیت هایی که انجام شده پخش می شود.) معمولا این داده ها و گزارش ها برای مسئولین مرتبط و بالاتر هستند؛(البته به عنوان تجربه برای گروه نیز می باشد) مثلا اگر در زمینه ای مشکلی در منطقه می بینیم سعی می کنیم آن را رسانه ای کنیم و به مسئول مرتبط برسانیم. ما سعی می کنیم حدالامکان این مسئولین را حضوری ببینیم و توضیح دهیم که منطقه به چه شکل است و مشکلات را بیان و پیگیری کنیم.

یک نکته ای که باید به آن توجه کرد این است که جذب اهالی در مناطق مختلف متفاوت است، مثلا در مناطق باغ ملک و مناطق بختیار نشین خیلی مشکل استقبال نداشتیم و معمولا استقبال خیلی خوب بوده اما در مناطق عرب نشین با توجه به محدودیت هایی که خود اهالی دارند و خانم ها خیلی اجازه بیرون آمدن ندارند استقبال چندان خوب نبوده و سعی کردیم فعالیت هایمان را در مدارس برگزار کنیم. چون بازه زمانی طوری است که مدارس هم تشکیل می شوند از قبل با مدیران مدارس و حوزه علمیه صحبت می شود که مدیر و معلم مدرسه ساعات کلاسی شان را در اختیار ما قرار دهند تا ما فعالیت خود را انجام دهیم. ما اگر به پنجشنبه و جمعه که روزهای تعطیل مدارس است برخورد می کردیم سعی می کردیم از روز قبل از والدین بچه ها رضایت نامه بگیریم که فردا از فلان ساعت تا فلان ساعت فرزندشان به مدرسه می اید تا فعالیت ها را ادامه دهیم و مباحث را کامل نماییم. در مناطق عرب نشین خانم ها زیاد اجازه بیرون امدن نداشتند اما انجا از مجالس روضه و ادعیه خیلی استقبال می کردند، بنابراین ما سعی کردیم از خانم ها دعوت کنیم در مراسم دعاهایی که برگزار می کردیم شرکت کنند و از این طریق به وسیله مبلغمان مباحثی را با موضوعات همسر داری و تربیت فرزند و... بیان کنیم.

ما در حالت کلی در هر منطقه سعی می کنیم با توجه به شرایط و اداب رسوم خود منطقه وارد شویم نه اینکه بخواهیم تغییری ایجاد کنیم که هم به گروه جهادی لطمه وارد شود و هم اینکه برخلاف اداب و رسوم آن منطقه کار کنیم.

افتتاحیه ما معمولا بزرگ نیست و در یکی از مساجد یا حسینیه منطقه ای که وارد می شویم با حضور امام جماعت آن منطقه و اهالی برگزار می شود. در واقع زمان یا شرایط طوری بوده که نتوانستیم افتتاحیه بزرگتری بگیریم اما معمولا سعی کردیم اختتامیه را بزرگتر و در فضای بازتر بگیریم و از اهالی، افراد مرتبط مانند مسئول جهادسازندگی آن منطقه یا استان، مسئول نهاد رهبری و مسئول بسیج دانشجویی استان دعوت کنیم که حضور داشته باشند. در این مراسم مسئول گروه از کارهایی که انجام شده صحبت می کند و اگر فرصت شد مسئول نهاد رهبری و بسیج دانشجویی صحبت می کنند و کلیپی از فعالیت های انجام شده پخش می شود.

از پیگیری های بعد از اردوی ما به این صورت است که ما در اردو سعی می کنیم علاوه بر فعالیت هایی که انجام می دهیم به برخی خانواده های محروم سر بزنیم و علاوه بر توضیحاتی که خودشان می دهند شاهد نحوه زندگی انها باشیم و اگر ببینیم برای رفع این مشکلات کاری از دست گروه جهادی برمی اید بعد از اردو پیگیری کنیم؛ مثلا ما در دوره قبل برای خانواده ای که سرپرست ناتوان داشتند و خانم آن خانه توانایی خیاطی داشتند، شرایط و وسایل کسب و کارشان را از طریق خیاطی فراهم کردیم. همچنین طی اردو افراد دغدغه مندی که در منطقه وجود داشتند را از طریق بسیج آن منطقه، حسینیه و حوزه شناسایی میکردیم و برای آنها کارگاه های آموزشی دایر می کردیم و سعی می کردیم ازاین افراد دغدغه مند منطقه، استفاده کنیم و محتوا، راهکار و آموزش هایی به انها بدهیم که خودشان بتوانند از طریق مساجد یا پایگاه های بسیج فعالی که دارند فعالیت ها و پیگیری های لازم را انجام دهند.

یکی از کارهای مفیدی که ما توانستیم انجام دهیم نشکیل یک گروه جهادی مستقل در یکی از مناطق بود که عمده کارشان عمرانی است.البته ما پیگیر هستیم که علاوه بر بحث عمرانی در بحث های اموزشی و فرهنگی هم این کار انجام شود و اگر منطقه ای پایگاه بسیجش فعال نیست از طریق بسیج آن شهرستان پیگیری کنیم که پایگاه بسیج به انجا تعلق بگیرد که بتوانند فعالیت هایشان را انجا انجام دهند.

\*نقاط ضعف:

اردوهایی که در ابتدا برگزار می شد، چندان برنامه ریزی شده نبود؛ مثلا در بحث هایی مانند ثبت نام، خیلی به بحث مصاحبه و.. دقت نمیشد. به مرور زمان نقاط ضعفی که وجود داشت اصلاح شد و طی دوسال اخیر گروه جهادی منسجم تر شد.

از نقاط ضعف ما این است که خیلی نتوانسته ایم کار جهادی را در دانشگاه نشان دهیم و اکثر دانشجوهای دانشگاه فکر می کنند که کار قرارگاه جهادی صرفا برگزاری چندتا اردوست.

یکی از ضعف های دیگر ما این است که با وجود پیگیری های انجام شده در تیم خود کار پزشکی و درمانی نداریم و چون در دانشگاه خود دانشجوی پزشکی نداریم متاسفانه هنوز نتوانسته ایم گروه پزشکی ای را همراه خود ببریم. قدمی که در این دوره توانستیم برداریم این بود که حداقل کمک های اولیه را از طریق افرادی که کلاس های بهداری و این مسائل را رفته اند انجام دهیم که البته هنوز با کارگروه درمانی خیلی فاصله داریم.

یکی از نقاط ضعف ما نداشتن برنامه ریزی بلند مدت بود چون ما معمولا در یکی دو سال گذشته روی یک منطقه کار می کردیم که نتیجه را ببینیم، اما متوجه شدیم که برای این مدت چشم انداز بلند مدتی نداریم و چشم انداز و هدف ما معمولا به همان دوره اول و دوم ختم می شود و به هدف بلند مدت فکر نشده بود.

\*نتایج و پیامد‌ها:

معمولا بازخوردهای ما مثبت بوده است که یکی از این بازخورد ها این بود که افراد زیادی در دانشگاه مشتاق کار جهادی شدند. علاوه بر این ها بحث رسانه ای شدن را در برخی فعالیت های جهادیمان می بینیم؛ مثلا حضور گروه جهادی در منطقه آبادان و خرمشهر و آب رسانی به این مناطق که بسیار رسانه ای شد و این مسئله می تواند یکی از بازخوردهای مثبت گروه باشد.

ما پس از تقویت کارگروه‌های خود در زمینه های عمرانی و فرهنگی و کسب عنوان برترین گروه جهادی استانی، تلاش خود را برای ایجاد تیم‌های تخصصی علمی از جمله تیم دامپزشکی به کار گرفتیم و موفق به تشکیل اولین تیم جهادی دامپزشکی در استان خوزستان و در منطقه جنوب غرب کشورشدیم.

\*شیوه‌های تبلیغات:

علاوه بر تبلیغات معمول که بنر و پوستر و شبکه های اجتماعی هستند، ما معمولا از مستندها و کلیپ های جهادی در همایش های دانشگاه پخش می کنیم و دانشجو را برای شرکت در اردوهای جهادی ترغیب می کنیم. همچنین کار کردن روی بوردهای دانشگاه را هم داشتیم که با این کارها استقبال بچه ها خیلی بیشتر می شد.